

ورقی از تاریخ تصوف و عرفان

علی سامی مؤلف کتابهای تمدن هخامنشی ، تمدن ساسانی عمری را در باستان شناسی گذرانید ، گروهی از فضایی شیراز را بخانه خود دعوت کرد و نام آن را « کانون دانش پارس » نهاد ، جمعیت مزبور حدیث شریف نبوی « لوکان العلم معلقاً بالثریالنا له رجال من فارس » شعار خود قرارداد ، چند جلد کتاب و رساله از انتشارات کانون دانش منتشر شد ، هر یک از رساله ها ، کتابها ارزش بسزائی دارد پرتو روان پاک آقا میرزا احمد تبریزی مشهور « بو حید الاولیاء » در مطبوعات پارس کاملاً نمودار است .

رساله بسیار نفیس « انسان و سر نوشت او » تألیف دانشمند روان شناس « آکتل » ترجمه محمد رضا حقیقی با حواشی دقیق علمی و عرفانی علی اکبر بصیری از انتشارات فراموش نشدنی کانون دانش است .

این رساله پرتوی است از فلسفه مرتاضان هند که بسبب فرنگی نوشته شده است ، یکی از بهترین تربیت شدگان مدرسه عرفانی زهبیه که از پرورش یافتگان مکتب وحید با حواشی دقیق خود چاشنی تصوف اسلامی بآن بخشید .

دیگر رساله « پیروز شو و شاد باش » از همان عارف کانادائی است که محمدرضا حقیقی آن را ترجمه شیوائی نمود .

اینجا است که بار دیگر روح بزرگ وحید تجلی نمود ، علی اکبر بصیری از تربیت شدگان آن عارف بزرگ رساله شیوائی بنام « شطرنج وجود » دوره عرفان عملی را بشعر در آورد .

این رساله در حقیقت برنامه تصوف زهبیه است که بصورت شعر شیوا در آمد و بار رساله دانشمند فرنگی بنام نشریه کانون دانش پارس منتشر شد ، بقول عارف بزرگ جلال الدین بلخی «ای شمس تبریزی ما ، با مامکن جور و جفا ، رخ بمولانا نما» نمونه‌ای از تجلیات روان شمس تبریزی زمان «وحیدالاولیاء» است از کتاب شطرنج وجود در اینجا چند بیتی نقل میشود .

ای پیاده رفته اندر کار زار
آن زمان ایمن شوی زین لات و مات
بازی شطرنج را دیدی ، ولی
عارفان را هست شطرنجی دگر
گر بیاموزی تو این شطرنج را
کرده‌ای صد گونه بازی یکنواخت
نک بیبا و بازی شاهانه کن
تا وزیر شاه دل ، عقل معاد
پس بتدبیر ، این وزیر باخرد
هر مجازی خود حقیقت راست پل
پس تو در بازی شطرنج مجاز
ای حقیقت جوی ، بازی را بهل
تا آنجا که می‌سراید .

مات هر کس کرد نفسش بر قیود
زیر حکم آرد زمین و آسمان
چون بفکرت مات کرده نفس ها
اندین بازی شطرنج وجود
برده بازی را در عرصه جهان
منتهی گردیده اندر انتها

بلکه در آن دو تصرف میکنند هر چه خواهد بی تکلف میکند
چون که شد در راه حق مرد تمام حق صفت گردد بکلی والسلام

دیگر از انتشارات کانون دانش پارس رساله بسیار نفیس دارالعلم شیراز بقلم استاد صدرالدین محلاتی است که حقاً از دانشمندان بنام و از پیروان سلسله ذہبیه می باشد ، شرح احوال و آثار صدرالدین شیرازی حکیم مشهور را در آن رساله چنین داشته است :

ملا صدرای شیرازی در عهد خود خود عارج و معارج علوم حقیقی و مجازی و صدر نشین مجالس دانش و بی نیازی بود در ریعان ایام جوانی و آغاز اهتزاز بهارستان زندگانی هوای وصال پر یچهرگان جمال دانش و کمال خدمتش را بحال خود نگذاشته سعی و اهتمام تمام و جد و جهد و اجتهاد مالا کلام جوایب حصول این مرام شد سالها در دارالمؤمنین قم بر سجداده عبادت و وساده افادت متمکن بود تا در اکثر علوم عقلی و نقلی و مدرس مدرسه امتیاز و صاحب تصانیف و تعلیقات ممتاز گردید و در نشر آثار حکمای متألّهین و جرح و تعدیل معضلات عقلی بذل جهت بتقدیم رسانید و در این فن یگانه روزگار خود شد و چون پرتو انوار اشتهارش بر در و دیوار ساحت روزگارش نافته و در عهد خجسته و زمان فرخنده نواب گیتی ستان فردوس مکان « منظور شاه عباس بزرگ است » چون الله وردیخان امیر الامرای فارس دارالعلم شیراز باحداث مدرسه عالی منظور مدرسه خان است که الله وردی خان اورا بنا نهاد و امام قلی خان اورا تمام کرد سرافراز شده بود بعد از عرض ابواب تدریس آن مدرسه را بروی جناب افادت مآب گشوده و از این راه خدمتش بوطن مألوف معاودت نموده مدرس آن مدرسه عالی بود تا بسراستان قدس انتقال نمود «ص ۲۹۹ تاریخ ذیل عالم آرای عباسی» ملا صدرای شیرازی در آخر کتاب العقل والجهل که در سال هزار و چهل و

چهار هـ . ق آن را برشته تحریر در آورده خود را چنین معرفی میکند محمد بن ابراهیم المشتهر بالصدر الشیرازی و گاه خود را قوامی شیرازی معرفی کرده میگوید: صدرا ی قوامی شیرازی و صاحب فارس نامه ناصری ذیل شرح حال وی در گفتار دوم کتاب خود ص ۱۳۸ وجه اشتها ر آن مرحوم را بقوامی چنین بیان می کند « که گویا از سلاله وزیر بی نظیر حاجی قوام الدین حسن شیرازی که خواجه بزرگوار شیراز حافظ فرموده است :

دریای اخضر و فلک و کشتی هلال
هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

تولد وی در نیمه دوم قرن دهم هجری «ظاهراً» بوده و مولدش نیز شیراز بوده است . وی یکی از بزرگترین و محققترین حکماء و علماء و فلاسفه با حال اسلام و مخصوصاً عالم تشیع است فارس نامه مزبور در عنوان وی می نویسد «خورشید آسمان معانی که آفتاب با رأی او چو زره عنبر است و مختصر عقل مجرد آمده در حیز وجود روح مصور آمده در صورتش «صاحب روضات الجنات درص ۳۳۱ کتاب خود در شرح حال وی «در حرف صاد» شرحی می نویسد که ترجمه آن بفارسی چنین است : محمد بن ابراهیم شیرازی قوامی مشهور بملاصدرا برتر از همه حکماء دانشمندان و بزرگ و همه علماء و محققین و راسخین در علم تا زمان خواجه نصیر الدین طوسی بوده وی فلسفه اشراق را منقح و پاک و مورد تحقیق قرار داد و اساس حکمت مشائین و رواقیین « حکماء مشائین تابعین فلسفه ارسطو و حکماء رواقیین تابع مکتب زینون بوده اند » را در هم نوردید و با دلیل اشتباهات آنان را آشکار ساخت . وی شاگرد سید محقق امیر محمد باقر داماد « معروف بمیر داماد » و شیخ جلیل بهاء الدین محمد عاملی « معروف بشیخ بهائی » بطوری که از مجموع کتبی که شرح حال این مرد بزرگ را نگاشته اند برمی آید صاحب ترجمه ما «آخوند ملاصدرا» پس از تکمیل مبانی علمی

علمی در شیراز رهسپار باصفهان که پایتخت ایران در آن عصر بوده می‌گردد و درك محضران دو استاد بزرگوار «میرداماد و شیخ بهائی» را می‌نماید و سپس در یکی از نقاط اطراف قم و شاید در کوهستان قهستان مشغول ریاضت و تزکیه و تصفیه نفس خود میشود و بطوری که مشهور است در همان جا شروع بنکاشتن اسفار که بزرگترین و مفیدترین کتب فلسفه است مینماید بعد از آن بشرحی که نگاشته شده بشیراز می‌آید و بساط افاده و تدریس را می‌گستراند. آخوند ملاصدرا یکی از بزرگترین و پرکارترین علماء اسلام است و تألیفات وی شاید بالغ بر یکصد تألیف و یا متجاوز بر آن بشود که یکی از آن اسفار اربعه است و دیگری شرح بر اصول کافی اوست که قریب چهل هزار بیت بگفته صاحب روضات الجنات و به تخمین و حدس او میشود.

باری آخوند از طرف عده‌ای از علماء ظاهر بین که ما نوس بکلمات و اشارات او نبوده‌اند و اصطلاحات وی در نظر آنان با ظواهر شرع وفق نمیبود تکفیر گردیده و حتی بگفته روضات الجنات یکی از علماء در وصف شرح هائی که بر اصول کافی نوشته شده میگوید یکی از شرح‌ها شرحی است که آخوند ملاصدرا نگاشته ولی شرح او مبنی بر کفر است و این اولین شرحی است که درباره اصول کافی ولی مبتنی بر کفر است می‌باشد آخوند ملاصدرا دارای فرزندی بوده است بنام ابراهیم و وی یکی از بزرگان علم و دانش و صاحب اطلاع بر بسیاری از علوم بوده و در مسئله حکمت و فلسفه و مسائل کلامی بر ضد طریقه پدر بوده است و از این جهت یکی از همین علماء ظاهر بین که نظر خوشی به آخوند نداشته‌است درباره وی و پدرش میگوید: وی مصداق آیه یخرج العی من المیت است.

اما سبک تفکر و فلسفه آخوند ملاصدراى شیرازی سبک خاصی است که تا عصر وی بدون سابقه بوده است و خود مبتکر این طریق خاص بوده. هم حکیم است

و هم عارف و هم پابست بشریعت و هم پوینده طریقت و جوینده حقیقت ، فلسفه مشاء را در برابر صفاء ذهن و روشنی فکر خود که بریاضات و مشقات صیقلی نموده قرار داده و ممزوجی از فلسفه مشاء و اشراق پدیدار ساخته ، احکام آسمانی را بر حکم عقل عرضه داشته و با عرفان ارتباطش داده و همه را با هم هم آهنگ نموده و الحق از عهده هر یک بخوبی برآمده و هر چند فلسفه او با اشراق نزدیک تر است ولی از ادله مشائین هم غفلت نورزیده است و فلسفه و تئوری حرکت جوهری که شاید تطبیق بر-تئوری نسبیت فیلسوف عصر حاضر انشتین میگردد از مبتکرات وی است .

وی هفت سفر پیاده راه مکه را پیموده تا در سال هزار و پنجاه در بصره در آخرین سفر خود بمکه بدرود حیوة گفت مکتب وی که مشهورترین مکاتب فلسفه تا عصر اخیر است پایدار است .

نگارنده ناچیز این سطرها گوید آقا محمدعلی حکیم استاد فلسفه دانشگاه تهران حکایت کرد مرا که «لاصدرا در جرحه برادران ذهبی بود و از میرزا نیازشیراز تصوف و عرفان ذهبیه را دریافت نمود !

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

علم آدمیت است و جوانمردی و ادب

ورنه ددی بصورت انسان مصوری

(سعدی)